

ادبیات

دکتر جعفر بای *

درباره چربی

گسترش آسیب‌های اجتماعی

روابط نامشروع، طلاق، جرم و جنایت، اعتیاد و سایر آسیب‌های اجتماعی در ایران طی چند دهه اخیر روند رو به رشدی داشته است و این واقعیتی است که کمتر مقام مسئول و آسیب‌شناسی به آن ادغان نکند. اما این افزایش آسیب‌ها ریشه در چه چیزی دارند و چرا به‌رغم تمام تلاش‌ها و اقداماتی که برای پیشگیری و مقابله با این آسیب‌ها شده نتیجه آن نیست که انتظارات را برآورده کند. در دهه‌های اخیر سه اتفاق و به عبارت دیگر سه انفجار در جامعه ما رخ داد. نخست رشد علم و دانش بود و ایران در جغرافیاسی‌نحیگی منطقه قرار گرفت، اما نکته اینجاست که اگر این ظرفیت و پتانسیل به درستی مدیریت شود، بسیار مقتمن است در غیر این صورت خود می‌تواند یک آفت و آسیب اجتماعی باشد. مدرنیته بی‌زمانه اتفاق دیگری بود که جامعه ما در این سه چهار دهه اخیر با آن مواجه شد. شما نگاه کنید حذف والدین در انتخاب همسر برای جوانان که به افزایش طلاق منجر شده چه ناپسامانی‌هایی در خلوارها بوده‌وود آورده است. سوم انقلاب در ارزش‌ها بود؛ یعنی پس از انقلاب اسلامی دگرگونی‌های عظیمی در حوزه اعتقادات و باورهای مردم پیش آمد و اما نکته مهم این است که انقلاب‌های ایدئولوژیک شمشیر دولبه هستند که اگر نتواند با دقت و به‌درستی اهداف مدنظر را پیاده کند، گاهی مشکلات و تبعات فراوانی را در دنبال خواهد داشت. در کنار همه اینها باید توجه داشته باشیم که ما در چند مسئله از جمله در بحث اعتیاد در خط اول و مسیر ترانزیت مواد مخدر هستیم.

ضمن اینکه همه این آسیب‌ها یک توطئه جهانی و یک حرکت درون و بیرون مرزی دارد. یک مدرنیته‌ای آمد و زلزله عظیمی در اعتقادات و باورهای مردم ایجاد کرد به طوری که جوان امروز از هیچکس و هیچ چیز تبعیت نمی‌کند. در بخش درونی هم ما در حوزه فرهنگ متأسفانه ضعیف عمل کردیم و همچنان گرفتار ندانم کاری‌های فراوان هستیم. این در حالی است که در حوزه فرهنگ از ابتدای انقلاب تا کنون تلاش‌ها و اقدامات مختلفی صورت گرفته است، یعنی ما در این حوزه هم شاهد برخوردهای قهری بودیم و به برخورد علمی و ارشادی؛ سؤال اساسی این است که دیگر چه کاری در این ارتباط باید انجام می‌شد، اما نشده است؟ برخوردهای ما با مقوله فرهنگ بر خورد انتظامی بود. در حالی که فرهنگ یک مقوله لطیف و نرم است و ظرافت‌های خاص خودش را دارد و با آموزش و به شیوه غیر مستقیم می‌توانیم فرهنگسازی کنیم. تمام برخوردهایی که شده بر خوردهای وارونه‌ای بود که متأسفانه منجر به تاظم بیشتر در نظام ارزشی جامعه شد و به آن زاد رمز. هنوز هم عبرت نگرفتیم. کماکان چنین برخوردهایی ادامه دارد. باید در این مقوله دانش عمومی را افزایش بدهیم. در واقع به جای فیلترتنگ و… جوان را به درجه‌ای از رشد و تعالی رسانیم که خودش برای ورودی‌های خوراک‌فرهنگی‌اش فیلتر داشته باشد. خودش قدرت تشخیص و تفکیک داشته باشد.

باید بپذیریم که مقوله فرهنگ تریقی ، دیکته‌ای یا دستوری نیست. به هیچ عنوان ما نمی‌توانیم با قوه قهریه و سلبی فرهنگسازی کنیم و این وظیفه مهم را به نحو شایسته انجام بدهیم. باید اقدامات اساسی و ریشه‌ای آن هم صورتان و در مدت انجام بدهیم. البته چنین تلاش‌هایی هم نیاز به بودجه کافی دارد باید برای فرهنگسازی هزینه کنیم. ما در حوزه سخت‌افزاری تا جا دارد هزینه می‌کنیم، اما در بخش نرم‌افزاری خیر. مقوله فرهنگ در ایران از مقوله‌های فراموش شده است.

قطعاً افزایش آگاهی و دانش در مقابله با آسیب‌های اجتماعی و کاهش آثارآنها مثبت دارد.البته به این شرط که افراد توانایی مدیریت دانش را داشته باشند و بداند علمی که دارد کاربردی است و چه نفعی برای زندگی‌اش دارد و گرنه کسی که توان مدیریت دانش نداشته باشد، انباشت علوم به تنهایی نمی‌تواند وی را به صورت کامل از آسیب‌های احتمالی برهاند. مثلا در پدیده طلاق در حال حاضر هرم تحصیلی زنان جامعه‌ما بالا رفته و به سواد و دانش عمومی هم از تقا یافته، اما اینکه آیا این سواد کاربردی بوده و منفعتی برای زندگی فردی آنان داشته، جای بحث دارد. به همین دلیل معتقدم دانش مدیریت نشده قطعاً تیغ تیزی است به‌دست زنگی مست که ویران می‌کند و ریشه‌ها را می‌زند. یک قانون زیبا و ارزشمند وقتی مجری قدرتمند و قوی نداشته باشد، فقط به‌درد وینترن خواهد خورد. محتوای درسی ما، معلم درخور لازم را ندارد. یامکان نرود که آموزش بیشتر عملکردی است؛ یعنی کودکان ما بیش از آنکه از حرف و سخن‌های معلمشان یاد بگیرند از الگوهای رفتاری آنان درس و عبرت می‌گیرند. امروز معلمان ما توان نشان دادن محتوای اسلامی را ندارند. در واقع در حال حاضر به جای تربیت اسلامی آموزش اسلامی می‌دهیم؛ یعنی پرورش می‌دهند که نیست. به عبارتی دیگر تربیت مقوله‌ای است که با عمل و اجرا منتقل می‌شود. نظام آموزش و پرورش ما فقط آموزش است، نه پرورش. نظام و دستگاه فرهنگی ما فقط صحبت است نه عمل و اجرا واینها ما را دچار مشکل کرده است. مطابق قانون مدیریت پیشگیری از جرم به عهده قوه قضائیه است، اما می‌توان آن را یک امر گسترده ملی دانست که مجموعه نهادهای تربیتی مثل خانواده و آموزش و پرورش، دانشگاه و رسانه‌ها در این زمینه نقش تأثیرگذاری دارند. اگر آنها فعالیت‌های خویش را به شایستگی انجام دهند، دیگر وقوع جرم چندان محتمل نخواهد بود تا نهادهای پیشگیری کننده به‌طرح برنامها و فعالیت‌های بازآرندگی بپردازند، اما بی‌برنامگی و ناهماهنگی و کم‌کرمی و سوءمدیریت و… در هر یک از این نهادها باعث اثر نمانی یا چرآنهم اجتماعی خواهد شد که در چنین حالتی متقابل‌نهادهای دیگری ملزم به امر مصونیت‌سازی جامعه و تأمین امنیت اجتماعی برای شهروندان هستند.

✽**آسیب‌شناس**

قتل تازه عروس پس از مراسم پاگشا

مرد افغان در مراسم پاگشا، تازه عروس را به قتل رساندو در حالی که قصد خودکشی داشت، خود را تسلیم پلیس کرد.

به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۹ و ۱۵ دقیقه صبح روز پنج‌شنبه قاضی مدبروستا، بازپرس ویژه قتل قتل تهران بسا تماس یکی از مأموران کلانتری ۱۱۵ رازی از قتل تازه عروس در خانه‌ای قدیمی حوالی میدان قزوین با خبر و همراه کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی در محل حاضر شد. بررسی‌ها نشان داد مقتول نوعروس ۲۴ ساله افغان است که در برخورد با ضربات چاقو هدف قرار گرفته و کشته شده است.

خواهر تازه‌عروس که پلیس را از ماجرا با خبر کرده بود، گفت: خواهرم ۱۰ روز قبل عروس مردی شد که او هم افغان و مثل شوهرم کار گر ساختمانی است. شب او و شوهرش را برای مراسم پاگشا به خانه‌مان دعوت کردیم. همه چیز به خوبی گذشت و عروس و داماد شب را در خانه‌مان ماندند. صبح امروز وقتی شوهرم از جلیل خواست با هم سر کار بروند، بهانه‌ای آورد تا ساعتی دیرتر خانه را ترک کند. به هر صورت شوهرم از خانه بیرون رفت و جلیل هم نیم ساعت بعد خانه

بازجویی‌ها از وی انجام شد.

حوادث

سرویس حوادث ۸۸۹۹۸۳۵



بازداشت زورگیران گروه ۸

بسیاری از مردم قربانی ناپسامانی شبکه حمل‌ونقل عمومی می‌شوند

هشت عضو یک شبکه زورگیری که

متهم هستند با تهدید سلاح سرد در پوشش مسافربر از مردم سرقت می‌کردند، به دام پلیس افتادند.

به گزارش خبرنگار ما، سوم مهرماه امسال مأموران کلانتری ۱۳۳ شهر زیبا هنگام گشت‌زنی در خیابان نیرو به خودروی پراید مشکی رنگی مظنون شدند و آن را متوقف کردند. از آنجا که مردان چهار نفره خود و خودرو را به همراه نداشت، استعلام پلاک خودرو نشان داد که این پراید مدتی قبیل در خیابان چهاردیواری سرقت شده است، بنابراین راننده که مردی جوان بود، بازداشت شد. وقتی پرونده به دستور قاضی روی میز کارآگاهان پایگاه دوم پلیس آگاهی تهران قرار گرفت مشخص شد که راننده امیر.پب نام دارد و از مجرمان سابقه‌دار است و قبلاً به‌وسیلهٔ وارد مخفیگاه وی شدند، او تلاش کرد با اویزان شدن از پنجره طبقه چهارم و جرح عمدی، تحصیل مال نامشروع، درگیری با پلیس و… بازداشت شده بود.

بررسی شکایت‌های رسیده به پلیس هم نشان داد که چند نفر مشخصات سارقی شبیه امیر را به پلیس گزارش کرده بودند. آنها پس از حضور در اداره پلیس امیر را شناسایی کردند و گفتند: همراه مرد دیگری، بازداشت‌زورگیری کرده بود، یکی از آنها گفت، همراه دوستم در حال عبور از کنار بوستان تندرستی بودم که یک خودروی پژو ۲۰۶ نوک مدادی توقف کرد. امیر همراه یک نفر دیگر پیاده شد، آنها در حالی که چاقو داشتند حمله و گوشی‌های تلفن همراه و پول‌هایمان را سرقت کردند و گریختند.

یکی دیگری از شاکیان گفت، در خیابان آیت‌الله کاشانی منظر تاکسی بودم که پراید مشکی‌ای با سه سرشنین توقف کرد. وقتی سوار شدم، به جز راننده زنی در صندلی جلو نشسته بود و مرد در صندلی عقب سوار بودند. لحظاتی بعد از حرکت اتنهم بود که دو مرد کناری‌ام

سرخ‌خط خبرها

■ فرمانده مرزبانی ناچاز از خروج زائرانی که بدون تپهه ویزا در مرز حاضر شده بودند، خبر داد. سردار قاسم رضایی با اشاره به حضور شبانه‌روزی مأموران مرزبانی برای ارائه خدمات به زائران در سه مبادی مرز جاده سنسوار به شاهرود یک کشته و دو مصدوم بر جا گذاشت. این حادثه شامگاه پنج‌شنبه در ۱۱۲ کیلومتری سنزوار اتفاق افتاد و مصدومان به بیمارستان منتقل شدند.

روایت مرد معتمدی که مأموران گشت‌شهرداری او را به جای کارتن خواب به سامانسرا منتقل کرده بودند

تو کارتن خوابی!

خانواده‌های بسیاری با این رفتار دچار خسارت مادی و معنوی می‌شوند

در حالی که افرادی خاتمان فضای شهر را پر کرده‌اند، مأموران شهرداری مرد معتمدی را پس از خارج شدن از مسجدی در شهرری به همراه افراد ولگرد به سامانسرائی در اسلامشهر منتقل کردند. اعضای خانواده این مرد شب را در گابوس مرگبار نبود پدر به صبح رساندند.

شامگاه پنج شنبه، اول آبان ماه بود که پس از خواندن نماز مغرب و عشا از مسجد جامع المهدی در فلکه اول دولت آباد،راهی خانه‌اش شد. هنوز مسافت زیادی از مسجد دور نشده بود که دست مردی را روی شانه‌اش احساس کرد. وقتی برگشت دو مرد را مقابل خوددید که از او خواستند سوار خودروی ونی شود که کنار خیابان پارک شده بود. علت را که پرسید یکی از آنها جواب داد که پاسخش را پس از سوار شدن می‌دهد. پیرمرد گفت که معتمد این محل است و تازه از مسجد خارج شده و در راه خانه است. وقتی روی صندلی ون آرام گرفت و خودش را کنار چند کارتن خواب دید، پاسخ سؤالش را پیدا کرد به خاطر همین بود که به مردان گفت کارتن خواب نیست و می‌توانند درستی حرفش را از اهالی یا مسجدی‌ها سؤال کنند، اما گوشی برای شنیدن این حرف‌ها نبود. مأموران گشت چند کارتن‌خواب دیگر را سوار ون کردند. خودرو پس از عبور از خیابان‌ها وارد سامانسرائی اسلامشهر شد؛ جایی برای نگهداری افراد ولگرد، کارتن‌خواب و…

پسر این مرد معتمد درباره شبی که پدرش به خانه بازنگشت به خبرنگار ما می‌گوید: پدرم یکی از معتمدان خیابان زمانی در فلکه اول دولت آباد است. او از کسبه قدیمی است از نظر ظاهری هم مردی موجه است. ساعتی بعد از نماز مغرب و عشا پدرم به خانه بازنگشت. برای اولین بار بود که آمدن او به درازا کشیده بود. همه نگران شدیم. ابتدا با خانه بستگان تماس گرفتیم، اما وقتی خبری از او نرسید به بیمارستان‌های محل رفتیم. سرانجام هم پس از طرح شکایت راهی پایگاه نهم پلیس آگاهی شدیم. سرهنگ حسین زارع، فرمانده پایگاه از ما خواست که آرامش خودمان را حفظ کنیم. او قول داد که مأموران تحت امرش برای یافتن پدرمان تمام تلاششان را به کار گیرند. سرهنگ گفت که همه افراد جامعه برای پلیس محترم هستند و وظیفه ذاتی‌شان حفاظت از جان مردم است. آن شب را با نگرانی به خانه برگشتیم و آرزو کردیم که برای پدرمان اتفاق بدی نیفتاده باشد. از نگرانی تا صبح خواب به چشمانمان نیامد. موقع آنان صبح راهی مسجد شدیم به امید اینکه بتوانیم با کمک مسجدی‌ها از پدرمان نشانی پیدا کنیم، اما کسی از پدرمان خبری نداشت. وقتی هوا روشن شد دوباره راهی پایگاه نهم پلیس آگاهی شدیم. ابتدا با راهنمایی افسر پرونده راهی سامانسرائی اسلامشهر شدیم. افسر پلیس گفت که احتمال دارد مأموران گشت شهرداری پدرم را به آنجا منتقل کرده باشند، چراکه قبلا گزارش‌های مشابهی در این باره به پلیس اعلام شده بود. افسر پلیس گفت مواردی وجود داشته‌است که افراد در حالی که مدارک شناسایی همراه داشتند و شباهتی هم به افرادی خاتمان و معاند نداشت‌اند، عوامل گشت شهرداری آنها را به سامانسرا منتقل کرده‌اند!

پسر این مرد معتمد ادامه می‌دهد: در حالی که از حرف‌های افسر پلیس تعجب کرده بودم، راهی سامانسرا شدم. وقتی وارد شدم و مشخصات پدرم را دادم، یکی از کارکنان گفت که مردی را با این مشخصات شب قبل به این مکان منتقل شده‌است. از او خواستم اجازه دهد پدرم را ببینم، اما گفت اینجا افراد معتاد و کارتن‌خواب و بی‌خانمان را نگهداری می‌کنند به همین خاطر قوانین خودش را دارد و به این سادگی نمی‌توان با کسی ملاقات کرد. او به حرفم که چندین خانواده نگران هستند و مادرم بی‌تابی می‌کند، اما کسی حرم به حرف‌هایم توجه نکرد. گفتیم که پدرم نه بی‌خانمان است و نه معتاد و اگر اجازه ملاقات ندهند، شکایت می‌کنم. حرف زدن فایده نداشت و سرانجام با اصرار خودم، راه محلی که افراد معتاد را نگه می‌داشتند، وارد شدم. از دور پدرم را دیدم. وقتی نگاهمان به هم افتاد از جایش بلند شد. وقتی به او رسیدم در حالی که هر دو گرگی می‌کردیم در آغوش هم قرار گرفتیم. لباس‌های یکدست آبی به تنش کرده بودند. خواستم لباس‌های پدرم را بدهند تا او را ببریم. گفتند هر کس وارد شود، لباس‌هایش را گرفته و آتش می‌زنند و لباس‌های یکدست به تنش می‌کنند. گفتیم که لباس‌های پدرم نو و تمیز بود. یک نفر از کارکنان گفت که قانون است. مرد معتمد هم در شرح ماجرا به خبرنگار ما گفت: آن شب در راه بازگشت به خانه بودم که مردی از پشت چشمم را گرفت و یک نفر دیگر هم شانه‌ام را گرفت و خواستند سوار ماشین شوم. آنهامرا به زور سوار خودرو کردند و به راه افتادند. چند کارتن‌خواب داخل خودرو بودند. وقتی موضوع را سؤال کردم، گفتند که وظیفه دارند افراد معتاد و بی‌خانمان را جمع کنند. گفتیم که کاسب محل هستم و از مسجد آمدم، اما با قیادهی نداشت. وقتی از جلوی کوچه‌مان عبور کردم، گفتیم که خانه ما در آن کوچه است اما گوششان بدهکار نبود. در خیابان‌ها گشت می‌زدند. ساعت ۲۲ شده بود که چند معتاد و کارتن‌خواب دیگر را هم سوار کردند و از شهر خارج شدند. بعد ما را وارد ساختمانی کردند که بعداً فهمیدم سامانسرائی اسلامشهر است. آنها قصد داشتند ریش مرا تراشند که اجازه ندادم، اما لباس‌هایم را به زور از تنم بیرون آوردند و لباس بيماران را تنم کردند. پس از آن هم در بین همه سیگار پخش کردند و خواستند سیگار بکشیم که گفتیم من سیگاری نیستم. وقتی از یکی از کارکنان خواستم به عواملشان آموزش‌های لازم بدهند تا اینگونه خانواده‌ها درنگار نکنند، در جواب من گفت سعی کن پدرت نمازش را در خانه بخواند و برای نماز جماعت به مسجد بروی.

■ **ماجراجویی مشابه**

مردی سالخورده در ماجرا مشابهی به خبرنگار ما گفت: من پدر شهید هستم و خانام در خیابان دماوند است، یکی از روزهای پنجشنبه شهرپورام بود که کنار مغازه یکی از دوستانم نشسته بودم. ناگهان دو مرد جوان به من نزدیک شدند و به زور مرا سوار یک خودرو کردند که در آن افراد معتاد، کارتن‌خواب و بی‌خانمان سوار بودند. هر چه به آن مردان اصرار کردم که کارتن‌خواب یا بی‌خانمان نیستم به حرفم توجهی نکردند. آن شب ما را به سامانسرائی اسلامشهر منتقل کردند. نیمه‌های شب بود که خانواده‌ام در حالی که همه بیمارانشان، پزشکی قانونی و اداره پلیس را زیر و رو کرده بودند، من را میان افرادی بی‌خانمان در آن سامانسرا پیدا کردند. وقتی خبرنگار ما با سامانسرائی اسلامشهر تماس می‌گرفت مسئول مددکاری خودش را معرفی نمی‌کنند و می‌گوید که اجازه مصاحبه ندارد. با این حال می‌گوید که این سامانسرائی نظر شهرداری تهران فعالیت می‌کند. وظیفه‌اش هم جمع‌آوری افراد معتاد، کارتن‌خواب و ولگرد است. هر کس پس از جمع‌آوری وارد سامانسرا شود پذیرش می‌شود و در صورت داشتن خانواده با آنها تماس برقرار می‌شود. این مسئول می‌گوید توضیح درباره چرابی جمع کردن اشتباهی افراد منوط به داشتن مجوز قانونی است. می‌گوید گرفتن مجوز قانونی برای پاسخ به یک سؤال ممکن است مدت‌ها به طول بینجامد که می‌گوید مسئولان گشت باید پاسخگو باشند. پورشعبان یکی از مسئولان اداره آسیب‌ها هم پاسخ گفتن

به این پرسش را در گرو داشتن مجوز می‌داند با این حال می‌گوید که جای این مردان بوده‌است. پس از آن رضا‌نژاد به عنوان یکی از مسئولان گشت معرفی می‌شود که پس از شنیدن پرسشم می‌گوید که نمی‌تواند بدون مجوز به پرسش‌هایم جواب بدهد. با این حال می‌گوید که افراد گشت مددکاران حرفه‌ای هستند و کارشناس مربوط در صورت داشتن مجوز به این پرسش پاسخ می‌دهد.

شنبه ۲۷آذر ۱۳۹۴ | صفر ۱۶ | ۱۳۹۷

سنگاره

سرهنگ مراد مرادی *

دشواری‌های رانندگی در هوای بارانی

رانندگی در شرایط بارانی، ویژگی‌های خاص خود را دارد. در این شرایط به دلیل کاهش اصطکاک سطح اتکای لاستیک خودروها با زمین، سرعت جریان ترافیک به حداقل می‌رسد و از طرف دیگر به علت شرایط بارانی بسیاری از شهروندان به استفاده از خودروهای شخصی تمایل بیشتری پیدا می‌کنند که این امر موجب افزایش حجم ترافیک می‌شود؛ علاوه بر این در شرایط بارانی تصادفات متعددی به وقوع می‌پیوندد که جریان ترافیک را غیر عادی می‌کند. این در حالی است که سطح بارندگی و فاصله طولی و عرضی می‌شود که به نوبه خود بر جریان روان ترافیک تأثیر می‌گذارد؛ کاهش محدوده دید، از دیگر مشکلاتی است که رانندگان را تهدید می‌کند و لزوم احتیاط و دقت بیشتر آنان را ایجاب می‌کند.

بنابراین توصیه می‌شود شهروندان محترم، در این مواقع از سفرهای غیر ضروری اجتناب و حتی الامکان از وسایل حمل و نقل عمومی استفاده کنند؛ حتماً با سرعت مطمئنه رانندگی و فاصله طولی و عرضی مناسب با خودروهای جلو و مجاور خود را بیش از پیش حفظ کنند؛ هنگام شروع بارندگی سطح آسفالت بسیار لغزنده است بنابراین از ترمز زدن‌های ناگهانی در این شرایط جداً پرهیز کنند؛ از سلامت برف پاک‌کن‌ها و از پر بودن مخزن آب شیشه‌شورها اطمینان داشته باشند؛ از تغییر مسیرهای ناگهانی به علت وجود آبگرفتگی‌ها جداً اجتناب کنند؛ از توقف‌های بی‌مورد که منجر به سد مسیر و تغییر مسیر رانندگان می‌شود، خودداری کنند؛ رانندگان باید پیش از پیش به عبیران پیساده توجه و طوری رانندگی کنند که ضمن رعایت حق تقدم عبور، از پاشیده شدن آب و گل و لای روی آنها جلوگیری کنند؛ به دلیل کاهش محدوده دید، با روشن کردن چراغ‌های کوچک، احتمال وقوع حادثه را به حداقل برسانند.

✽ **معاون آموزش و فرهنگ ترافیک پلیس راهنمایی و رانندگی تهران بزرگ**

شهادت مأمور پلیس با شلیک مرد شور

یکی از مأموران پلیس در شهرستان بالسر با شلیک گلوله یکی از اوباش شهر به شهادت رسید.
استوار یکم «سیدمحمد عبیدی» از مأمورانی فرماندهی انتظامی بخش «پهنمیر» بالسر

مازندران بود که بامداد دیروز هنگام اجرای مأموریت، با شلیک گلوله از سوی یکی از اوباش به شهادت رسید. ساعت یک‌بامداد دیروز، مأموران گشت پلیس با دریافت خبر تهدید اعضای یک خانواده از سوی یک مرد شور در میدان شهادی پهنمیر بالسر، در محل حاضر شدند. مأموران گشت در جریان مأموریت به خودروی سواری پراید پارک شده کنار میقتاد شدند. استوار یکم سیدمحمدعبیدی در حال بررسی ماجرا بود که سرشنین پراید از شلیک گلوله به سوی پلیس از محل متواری شد. همزمان باقتل یکبر نیمه‌جان مأمور پلیس به بیمارستان مشخص شد که ضرب از اوباش معروف شهر است. همزمان مشخص شد استوار پلیس به علت تلاش‌ها برای بازداشت شور قاتل در جریان است.

کشف نوزاد سه روزه کنار خیابان

نوزاد سه روزه‌ای در یکی از خیابان‌های شهرستان میبید یزد زنده پیدا شد.
خبر پیدا شدن این نوزاد در بلوار میرشمس‌الحق میدد شامگاه چهارشنبه هفته گذشته به پلیس گزارش شد. بررسی‌های پلیس نشان داد نوزاد دختر چند روزه کنار پیاده‌رو راه‌ها شده است. پس از آن بود که امدادگران اورژانس هم در محل حاضر شدند و طفل به بیمارستان منتقل شد.
شخصه دگری از بررسی‌ها مأموران پلیس موفق به شناسایی والدین نوزاد شدند. مادر ۲۳ ساله نوزاد سه روزه، به پلیس گفت به علت اعتیادی که خود و شوهرش دارند پس از زایمان و ترخیص از بیمارستان، بچه را در خیابان‌ها رها کرده است. مهدی زارع شاهی، جانشین فرماندهی انتظامی میبید گفت: با دستور مقام قضایی، نوزاد تحویل بهزیستی شد. میبید در ۵۰ کیلومتری شمال شهر یزد قرار دارد.

حکم اعدام قاتل بانکدار ایرانی تأیید شد

حکم اعدام قاتل بانکدار ایرانی در کشور مالزی تأیید شد.
حسین احمدنژادی بانکدار ۷۵ ساله ایرانی و مؤسس آی.ام بانک، هفتم مرد ماه سال ۱۳۹۲ در حالی که همراه همسرش از پارکینگ یک معبد چینی در کوآلاالمپور خارج می‌شد، کشته شد. دو ماه پس از وقوع حادثه، مرد ۴۵ ساله‌ای به نام کوئنگ سوئی کوآنک به اتهام قتل بازداشت شد. با کامل شدن تحقیقات در این باره متهم به اعدام محکوم شد که رأی دادگاه از سوی دادگاه تجدید نظر این کشور تأیید شد. متهم برای اقدام به قتل همسر بانکدار به ۱۸ سال زندان محکوم شده است. تحقیقات پلیس نشان داد، این بانکدار ایرانی به دلیل معامله املاک به ارزش بیش از ۱۰ میلیون رینگیت (حدود ۲۴ میلیون دلاری) به قتل رسیده است.